

وبلاگ ایرانی به مثابه رسانه جایگزین و شهروندی

مهری بهار

استادیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی تهران baharan12345@yahoo.com

علی حاجی محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه گروه ارتباطات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
ahajemohammadi@gmail.com

چکیده:

در این مقاله وبلاگ‌ها به‌عنوان شکلی از رسانه‌های جایگزین و شهروندی مطالعه می‌شوند. رسانه‌های جایگزین و شهروندی به‌عنوان رسانه‌های غیر انتفاعی می‌توانند مکانی برای رقابت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشند و مشارکت مدنی و اعمال دموکراتیک را برخلاف رسانه‌های جریان اصلی دنبال نمایند. تحلیل دو وبلاگ ایرانی در این مقاله، نحوه شکل‌گیری و عملکرد آنها را در حوزه ادبیات رسانه‌های جایگزین و شهروندی نشان می‌دهد. این مطالعه نشان می‌دهد درحالی‌که وبلاگ‌ها از یک طرف محدودیت‌ها و دوگانگی‌های مربوط به رسانه‌های جایگزین و جریان اصلی را از بین برده‌اند، رفتارهای یکسان با این رسانه‌ها را نیز تولید می‌کنند. به گونه‌ای که در درازمدت شکل‌گیری فضایی که اعمال مدنی و دموکراتیک در آن امکان‌پذیر باشد را تسهیل می‌کند.

کلید واژه ها: رسانه‌های جایگزین، شهروندی، دموکراسی، وبلاگ ایرانی، رسانه‌های جریان اصلی

مقدمه:

رسانه‌های غیرتوده‌ای، گاهی به‌عنوان رسانه‌های کوچک، جایگزین، اجتماعی، شهروندی، غیر جریان اصلی، زیر زمینی و رادیکال مطرح می‌شوند که نشان‌دهنده مشارکت گسترده شهروندان است. در عصر جدید و در محیط اشباع شده رسانه‌ای، همواره با سیلی از اطلاعات از سوی رسانه‌های مختلف روبرو هستیم. میزان گسترده‌ای از اطلاعات دریافتی ما از راه رسانه‌های جریان اصلی تفسیر، کنترل و فیلتر می‌شود. در واقع این رسانه‌ها به افراد در درجه نخست به‌عنوان مصرف‌کنندگان رسانه‌ای و در مرحله بعد به‌عنوان شهروند نگاه می‌کنند.

امروزه فراگیری اینترنت و فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی موجب ظهور فضای مجازی در کنار جهان واقعی شده که این امر معادلات و الگوهای ارتباطات سنتی، تولید، انتقال و مصرف اطلاعات را به هم زده و موجب تغییر در آن شده است. چنین فضایی که به‌عنوان "واقعیت مجازی" یک‌پارچه (ویلسون و پترسون، ۲۰۰۲: ۴۵۰) در نظر گرفته می‌شود، از ویژگی‌هایی چون بی‌مکانی، فرازمان بودن، صنعتی بودن محض، عدم محدودیت به قوانین مدنی همزمان، روی فضا بودن و برخورداری از معرفت‌شناسی تغییر شکل یافته پسامدرن برخوردار بودن، قابل‌دسترسی بودن همزمان، روی فضا بودن و برخورداری از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی و همین‌طور آزادی از هویت بدنی و جنسی جدید برخوردار است (عاملی، ۱۳۸۲). باکاردجیوا از این فضا به‌عنوان فناوری روزمره، عاملیت فردی، جامعه و فضای عمومی جدید نام می‌برد (باکاردجیوا، ۲۰۰۶: ۷۳-۷۶). در چنین فضایی، افراد به دور از محدودیت‌های روان‌شناسانه و فیزیکی و سیاسی قادر به تعامل هستند و با استفاده از ابزارهای این فضا می‌توانند مطالب و اطلاعات خویش را تولید و اشاعه دهند.

طرح مسئله

مسئله‌ی این مقاله به این بحث بر می‌گردد که هر کاربر اینترنت در عین این‌که می‌تواند با دسترسی آزادانه‌تر به منابع متکثر اخبار و اطلاعات، نیاز اطلاعاتی خود را برطرف کند، این توانایی را نیز دارد که همزمان به‌عنوان یک شهروند، در تولید و انتشار اطلاعات، حضوری فعال داشته و به پیشبرد دموکراسی مشارکتی ناشی از رسانه‌ها کمک کند.

برخی از محققان رابطه رسانه‌ها و دموکراسی (کین، ۱۳۸۲؛ استریت، ۱۳۸۴؛ گنر، ۱۳۸۵) و افراد بسیاری نیز، ظرفیت‌های دموکراتیک اینترنت را مطالعه کرده‌اند (پوستر، ۱۹۹۵؛ جنکینز و توربورن، ۲۰۰۳؛ کلر، ۲۰۰۲؛ رینگولد، ۱۹۹۳؛ دالگرن، ۲۰۰۰؛ باربر، ۲۰۰۲).

از تحقیقاتی که در ایران پیرامون وبلاگ‌ها انجام شده است می‌توان به تحقیق خلیلی (۱۳۸۳) با عنوان "وبلاگ نویسی ایرانی: مطالعه کمی و کیفی نحوه ابراز هویت در وبلاگ‌های ایرانی با تأکید بر وبلاگ‌های شخصی"، اخوان (۱۳۸۶) با عنوان "دو فضای شدن جهان: تفاوت‌های جنسیتی در بازنمایی هویت در فضای واقعی و فضای وبلاگ" و ضیایی پرور (۱۳۸۷) با عنوان "وبلاگستان فارسی: بررسی وضعیت وبلاگ‌های فارسی در سال ۱۳۸۶" اشاره کرد.

برخی نویسندگان (رینگولد ۲۰۰۲ و گیلرور ۲۰۰۴) بیان می‌کنند که ابزارهای ارتباطی نظیر وبلاگ‌ها نشانه‌ای از آغاز کار رسانه‌های شهروندی و جایگزین است که به شهروندان معمولی فرصتی می‌دهد که به نوبه خود در فرآیند تشکیل خبر مشارکت کنند و به نوعی رها از تشکیلات مرسوم رسانه‌ای، روزنامه‌نگاری وبلاگ را تشکیل دهند. گیلرور استدلال می‌کند که این عمل شهروندان، ظرفیت دموکراتیک کردن حوزه مسلط رسانه‌ای امروز را از طریق اشاعه خبر و تبدیل خبر رسمی به بحث و گفتگو یا زبان وبلاگی (عاملی ۱۳۸۶) بالا می‌برد. ویژگی چنین عمل ارتباطی آن است که به تکمیل چرخه خبر کمک می‌کند.

در این مقاله به نقش وبلاگ‌ها به‌عنوان رسانه‌های جایگزین و شهروندی در فرآیند دموکراسی مشارکتی توجه می‌کنیم. این تحقیق ضمن مرور ادبیات تحقیقات گذشته، وبلاگ‌ها را از منظر دیگری مورد بررسی قرار می‌دهد که نگاه جدیدی به وبلاگ‌ها نیز هست و می‌تواند مبنای تحقیقات بعدی در این حوزه در ایران باشد.

با استفاده از نظریه رسانه‌های جایگزین آتون (۲۰۰۲)، و مفهوم رسانه‌های شهروندی رودریگوز (۲۰۰۱)، این مطالعه مشخص خواهد کرد که وبلاگ‌ها چگونه در چارچوب ادبیات رسانه‌های جایگزین و شهروندی قرار می‌گیرند و جنبه‌های معینی از ادبیات موجود را مشخص می‌نمایند.

این تحقیق با دو هدف زیر انجام می‌شود: ۱) پاسخ به این سوال که آیا وبلاگ‌ها شکل دموکراتیک‌تری از رسانه‌های جایگزین و شهروندی را ارائه می‌کنند؟ ۲) چگونه وبلاگ‌ها می‌توانند اهداف و نقش‌های رسانه‌های جایگزین و شهروندی را (همان‌گونه که در ادبیات این رسانه‌ها وجود دارد) نشان دهند؟ به همین منظور در این مقاله وبلاگ‌های نمونه‌ای را که به‌عنوان رسانه‌های شهروندی و جایگزین فعالیت می‌کنند، مطالعه می‌کنیم تا میزان مشابهت و همسانی اعمال و انگیزه‌های آنها را با تولیدکنندگان شکل "سنتی" رسانه‌های جایگزین و شهروندی تعیین نماییم.

رسانه‌های جایگزین در برابر رسانه‌های جریان اصلی

هر يك از متفکران از زوایای متعددی به بحث از رسانه‌های جایگزین می‌پردازند. برخی (آتون ۲۰۰۲) و داوینینگ (۱۹۸۴: ۲۰۰۱) به انگیزه شکل‌گیری رسانه‌ها و پیوند آنها با جنبش‌های اجتماعی و سیاسی خاص پرداخته‌اند. برخی (دانکامب ۱۹۹۷) به نحوه شکل‌گیری برخی اشکال رسانه‌های جایگزین نظیر مجلات که خرده‌فرهنگ‌ها برای ابراز وجود آن را به‌وجود آورده‌اند، اشاره کرده‌اند. در پاره‌ای از اوقات تولید رسانه‌های جایگزین می‌توانند به‌عنوان عکس‌العملی در برابر رسانه‌های جریان اصلی که در شناخت پاره‌ای از افراد و گروه‌های حاشیه‌ای و محروم جامعه ناتوان بوده‌اند، باشند (واتسون و هیل، ۱۹۹۰؛ اسولیوان و دیگران، ۱۳۸۵).

این مقاله با استفاده از سه دیدگاه در راستای هم تحلیل شده است. ۱. **داوینینگ**: به‌طور تحلیلی، بحث داوینینگ (۱۷: ۱۹۸۴) کمک می‌کند تا به رسانه‌های رادیکال با دید آنارشیستی-فمینیستی به گونه‌ای که به تحقق دموکراسی رسانه‌ای می‌انجامد، نگاه کرد. از نظر داوینینگ، رسانه‌های رادیکال رسانه‌هایی هستند که توسط خود مدیریت و تقویت می‌شوند، فارغ از مالکیت شرکتی، خصوصی و یا کنترل دولت هستند و به‌وسیله جنبش‌های اجتماعی گسترده تولید می‌شوند.

۲. **آتون** (۲۱: ۲۰۰۲) اعتقاد دارد که ارایه مدل رسانه‌های رادیکال توسط داوینینگ با تاکید بر جنبش‌های اجتماعی محدودیت می‌آورد. ادعای آتون این است که رویکرد داوینینگ، سایر اشکال رسانه‌های جایگزین به وجود آمده مثل مجلات طرفداران، مجلات الکترونیک و وب سایت‌های شخصی را که به جنبش‌های اجتماعی گسترده مربوط می‌شود، نادیده می‌گیرد. آتون، رسانه‌های جایگزین را تنها به‌عنوان نهادهای ضد اطلاعات و یا مخالف رسانه‌های توده‌ای نمی‌داند، بلکه آنها را رسانه‌هایی می‌داند که فرصت‌هایی را برای بیان دیدگاه‌های رادیکال یا جایگزین فراهم می‌آورند. مشارکت اجتماعی گسترده در ایجاد، تولید و اشاعه، بدون این‌که نیازی به آموزش حرفه‌ای باشد، امکان‌پذیر می‌شود. هزینه زیادی ندارد و برای مردم عادی قابل دسترس می‌باشد که باید در فضاهایی خارج از نهادهای رسانه‌ای یا سیستم‌های مشابه آن اتفاق افتد (آتون، ۲۵: ۲۰۰۵). در عین حال تولید و نوشتن آمانور آن برای مخاطب اقلیت نیز تنظیم می‌شود تا این مدل به‌عنوان حوزه تولید فرهنگی چارچوب‌بندی شود که به‌وسیله قوانین خود شکل می‌گیرد.

آتون همه اشکال رسانه‌های جایگزین از وب سایت‌های شخصی عادی تا روزنامه‌های سطح بالا و برنامه‌هایی که برای افزایش آگاهی‌های اجتماعی و سیاسی طرح‌ریزی می‌شوند، مورد بررسی قرار داده است. کاربرد آتون از اصطلاح "رسانه‌های جایگزین" شامل موارد زیر است: کلی از رسانه است که موجب تسهیل بیان شخصی و هویت می‌شود. سانه‌ای است که هدفش شکل‌گیری آگاهی‌های سیاسی است.

آتون در بحث سایر اشکال رسانه‌های جایگزین، خصوصاً آنهایی که به جنبش‌های اجتماعی مربوط نمی‌شوند، مثل مجلات و وب سایت‌های شخصی، معتقد است که چنین رسانه‌هایی به دلیل هویت‌سازی و دلالت‌های اجتماعی، مناسب حوزه و ادبیات رسانه‌های جایگزین هستند، بنابراین می‌توان آنها را از رسانه‌های جریان اصلی و سایر رسانه‌های جایگزین متمایز کرد (دانکامب ۱۹۹۷: ۲۳).

۳. **رودریگوز** (۲۰۰۱): او نظریه‌های رسانه‌های رادیکال و جایگزین را با بیان اصطلاح "رسانه‌های شهروندی"

دوباره مفهوم‌سازی می‌کند تا بازتاب بیشتری از اعمال رسانه‌های دموکراتیک باشد. از نظر او استفاده از این اصطلاح به جای رسانه‌های جایگزین یا رادیکال تصویر دقیق‌تری از رسانه‌های دموکراتیک به دست می‌دهد. رودریگوز (همان: ۴-۸) با توجه به تعاریف قبلی، نقش قدرت در رسانه‌های جایگزین و شهروندی را مفهوم‌سازی می‌کند و با جدا شدن از تحقیقات سنتی به مطالعه ظرفیت رسانه‌های جایگزین برای تغییر سلطه رسانه‌ها با رویکرد جدید می‌پردازد. او به نحوه فعال‌سازی فرآیندها در برخی حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قدرت در زندگی روزمره (دوسرتو، ۱۹۸۴) نیز توجه می‌کند. به نظر او رسانه‌های شهروندی، محلی برای بحث بیشتر درباره سیاست روزمره هستند که از این طریق مردان و زنان، محیط‌های اجتماعی و فرهنگی خویش را شکل می‌دهند. به روایتی رسانه‌های شهروندی تولیدات اجتماعی و فرهنگی هستند و از راه تسهیل ارائه‌ی نمادهای فرهنگی به شهروندان کمک می‌کنند تا واقعیت را ترکیب‌بندی کنند و این امر موجب قدرت‌مندی شهروندان می‌شود. او با فراتر رفتن از تفکر و مقوله‌بندی‌های دوتایی در سایر نظریه‌های رسانه‌های جایگزین و رادیکال می‌گوید:

ما رسانه‌های شهروندی را همانند خط مستقیم که از نقطه A (موقعیت غیر دموکراسی) عزیمت کرده و به سمت نقطه B (موقعیت دموکراسی) می‌رود، مطالعه می‌کنیم. اما آنچه یافتیم مجموعه نیروهای کوچک بسیاری است که همانند حباب‌ها در مرداب‌اند که بالا آمده و می‌ترکند... یعنی به جای تفکر دموکراسی به‌عنوان هدف نهایی و نیز شرایط عالی و تحقق چنین امری باید به این نکته توجه کنیم که چگونه نیروهای دموکراتیک و غیر دموکراتیک به‌طور پیوسته در حال مذاکره دوباره با یکدیگر هستند و چگونه رسانه‌های شهروندی می‌توانند رسانه‌های غیر دموکراتیک را تقویت کنند و از این رو - هرچند گاهی زودگذر- به افزایش نیروهای دموکراتیک کمک کنند (رودریگوز، ۲۰۰۱: ۲۲).

در تعریف رودریگوز:

رسانه‌های شهروندی اولاً به جمعی اشاره می‌کنند که به‌طور فعالانه با مداخله و تحول حوزه رسانه‌ای موجود، شهروندی خویش را اعمال می‌کنند. دوم این‌که رسانه‌ها در حال به چالش کشیدن رمزگان اجتماعی، هویت‌های مشروع و روابط اجتماعی نهادینه شده هستند. سوم، این اعمال ارتباطی در حال قدرت بخشیدن به جامعه مورد نظر هستند تا نشان دهند که این تحولات و تغییرات امکان‌پذیر هستند (همان، ۲). با تعریف رسانه‌های شهروندی رودریگوز، می‌توان گفت که رسانه‌های شهروندی به‌دلیل قدرتمند شدن تشکیل و به‌وسیله مشارکت دموکراتیک فعال شهروندان اداره می‌شوند.

در **دایره المعارف بین‌المللی ارتباطات** نیز به تاسی از آتون (۲۰۰۲)، داوینینگ (۲۰۰۱) و رودریگوز (۲۰۰۱)، رسانه‌های جایگزین را یک مفهوم سیال در نظر گرفته‌اند که اغلب به طیف گسترده‌ای از اعمال رسانه‌ای نسبت داده می‌شود که تنها با متفاوت بودن از رسانه‌های جریان اصلی تشخیص داده می‌شوند. همچنین این رسانه‌ها، شکاف ارتباط‌گر/ مخاطب رسانه‌های جریان اصلی را به چالش می‌کشاند که شامل طیف گسترده‌ای از صداهای مختلف، اهمیت و برتری منابع خبری حذف شده و به حاشیه رفته در رسانه‌های سنتی نخبه است که کنش اجتماعی را ترویج می‌دهند. همچنین رسانه‌های شهروندی، برای اشاره به رسانه‌های الکترونیک و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به کار می‌رود که توسط شهروندان و جماعت برای برطرف کردن نیازهای اطلاعاتی و ارتباطی خویش استفاده و کنترل می‌شوند. در واقع، چنین رسانه‌هایی محدود به ژانرها و فرمت‌های خاص نیستند و به‌جای علائق سیاسی و مالی بر ماهیت جمعی جهت تغییر دنیای اجتماعی که در آن عمل می‌کنند متمرکز هستند (دانسیک، ۲۰۰۸).

مقایسه رسانه‌های جریان اصلی و جایگزین / شهروندی

بعد از مطالعه دیدگاه‌های مختلف درباره رسانه‌های جایگزین و شهروندی، تعریف مناسبی که مربوط به رسانه‌های جایگزین و شهروندی و هدف این تحقیق باشد، ترکیب‌بندی دیدگاه‌هاست.

رسانه‌های جایگزین و شهروندی: براساس تعاریف بالا، رسانه‌های جایگزین/ شهروندی، رسانه‌هایی هستند که به‌وسیله افراد و گروه‌های مختلف ایجاد شده و هدف آنها فراهم کردن اطلاعاتی است که شهروندان را قادر سازد تا شهروندی خویش را با ارتقاء جمعی و مشارکت اعمال کنند. شهروندی کسی است که شهروندی یا عضویت خویش را در جامعه، نه تنها با مصرف اطلاعات یا بیان عقاید خود به‌عنوان مصرف‌کننده نشان می‌دهد، بلکه با استفاده از آن اطلاعات، به‌طور فعالانه در گفتمان عمومی مشارکت می‌کند.

وبلاگ‌های ایرانی همانند وبلاگ‌های سایر کشورها واحد ویژگی‌هایی هستند که می‌توان آنها را با ادبیات نظری رسانه‌های جایگزین و شهروندی مطالعه شوند. تعاریف و تعبیر زیادی در مورد وبلاگ‌ها شده است. اما تعریف زیر مبنای کار این تحقیق است.

عنوان وبلاگ، اغلب به وب سایت‌هایی اشاره دارد که حاوی نوشته‌های تاریخ‌دار پشت سرهم با هدف فردی و اجتماعی است. وبلاگ‌ها حوزه‌هایی چون نوشتن خاطرات، ابراز دغدغه‌ها، گفتن تجربیات و اظهارنظرهای شخصی تا خبرهای حرفه‌ای و جدی را در برمی‌گیرد و شامل هایپرلینک‌هایی به سایر سایت‌ها بوده و انتقال اطلاعات به‌طور سریع و کوتاه‌مدت را امکان‌پذیر می‌سازد (ماتیسون، ۲۰۰۴). مقایسه وبلاگ‌ها به‌عنوان رسانه‌های جایگزین و شهروندی با رسانه‌های جریان اصلی نشان می‌دهد که هر دو رسانه در شرایط مختلف و با ویژگی‌های متفاوت عمل می‌کنند. بنابراین بررسی تفاوت، تلافی و نیز تعامل وبلاگ‌ها با روزنامه‌نگاری و رسانه‌های جریان اصلی می‌تواند در روند فرارگیری وبلاگ‌ها در چارچوب ادبیات رسانه‌های جایگزین و شهروندی موثر باشد.

چندویژگی وبلاگ:

- ۱- وبلاگ‌ها جزئی از فرآیند "روزنامه‌نگاری خودت انجام بده" هستند.
- ۲- وبلاگ مدل سنتی بالا- پایین رسانه‌های جریان اصلی را معکوس کرده است که این دقیقاً به یکی از نقش‌های رسانه‌های جایگزین مربوط می‌شود. در این باره، گنز (۱۹:۱۳۸۵) اعتقاد دارد روزنامه‌نگاران که به‌عنوان "دروازه بانان" اطلاعات عمل می‌کنند باید گزارشگری «از پایین به بالا» پیشه کنند.
- ۳- وبلاگ ساختار یک (رسانه) به چند (مخاطب) جریان اصلی را با ایجاد یک مدل چند به چند فرآیند تولید اخبار و اطلاعات تغییر داده که به مخاطبان اجازه درگیری و تعامل، و مهم‌تر از آن نقد و ارزیابی اخبار رسمی را می‌دهد.
- ۴- وبلاگ‌ها در مواردی ساختار روزنامه‌نگاری را دارند. آنها در نقش‌های سردبیری، انتخاب و گزینش ارزش خبری و قضاوت اعتبار منابع، نوشتن تیترها، گرفتن عکس، توسعه سبک‌های نوشتاری، حفظ و مدیریت خوانندگان و جذب مخاطب عمل می‌کنند. نظرات دیگران را اضافه می‌کنند و بعضی اوقات یک گزارش اول شخص را درباره یک حادثه، یک روند یا یک موضوع فراهم می‌کنند (لاسیکا، ۲۰۰۳:۷۳). از این رو، حجم وسیعی از اطلاعات را درباره دانش جدید به خوانندگان و به رسانه‌های جریان اصلی عرضه می‌کنند (ولچ، ۲۰۰۳).
- ۵- روزنامه‌نگاران حرفه‌ای معمولاً اطلاعات را از راه گزارش و مصاحبه عمیق فراهم می‌کنند، درحالی‌که بلاگرها مایل به ارائه اطلاعات با زاویه و نگاه شخصی هستند و این یکی از تفاوت‌های وبلاگ‌ها با رسانه‌ها و روزنامه‌نگاری سنتی است. جدول ۱ تفاوت رسانه‌های جایگزین / شهروندی و رسانه‌های جریان اصلی را بهتر نشان می‌دهد.

جدول ۱: تفاوت بین رسانه‌های جریان اصلی و رسانه‌های جایگزین و شهروندی

رسانه‌های جایگزین / شهروندی	رسانه‌های جریان اصلی
<ul style="list-style-type: none"> - خارج از کنترل نهادهای دولتی و خصوصی - غیر متمرکز - اداره جریان توسط پرسنل کم و بیشتر داوطلبانه - عدم سلسله مراتبی بودن و ساختار افقی داشتن - با حمایت مالی تحت سیستم همکاری و همدستی برخی گروه‌ها با انگیزه‌های مشترک یا یک نفر خاص - خبرهایی از پایین به بالا - تولید شهروندان فعال، مشارکت‌کننده در علائق و خبرهای عمومی - با هدف پیشبرد مشارکت دمکراتیک و مدنی در مباحث و بیانات عمومی - عامل تغییر اجتماعی و قدرت بخشی به گروه‌های حاشیه‌ای و محروم در جامعه 	<ul style="list-style-type: none"> - تحت کنترل نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی - متمرکز - اداره جریان توسط تعداد گسترده پرسنل حرفه‌ای و حقوق بگیر - سلسله مراتبی بودن و ساختار عمودی داشتن - با حمایت مالی دولت یا نهادهای قدرت - خبرهایی از بالا به پایین - تولید شهروندان مصرف کننده و منفعل (فعال کاذب) - با هدف رقابت‌های سیاسی و اقتصادی - عامل ثبات و ادامه نابرابری و سلطه در جامعه

روش تحقیق

هدف این مقاله، مطالعه وبلاگ به‌عنوان شکلی از رسانه‌های جایگزین و شهروندی (که شکل دموکراتیک‌تری از رسانه‌ها را در مقایسه با رسانه‌های جریان اصلی دارند) است. برای دست یافتن به این هدف از تحلیل متنی استفاده می‌شود. تحلیل متنی بر روی وبلاگ‌های نمونه با بیش از یک سال انتشار انجام می‌شود. همچنین در انتخاب وبلاگ‌ها با استفاده از نمونه‌گیری نظری (هدفمند)، ویژگی‌هایی نظیر به

روز بودن پیوسته وبلاگ، خبری بودن وبلاگ، مطالب، اهداف و دیدگاه ارائه شده به وسیله نویسنده (گان) وبلاگ، بازخورد بالا، ارتقاء و تسهیل بحث‌های فعال و مشارکت خوانندگان مد نظر است. این روش شیوه‌هایی را که در آن وبلاگ‌ها فعالیت و اعمال دموکراتیک را در دموکراسی مشارکتی و مشورتی تسهیل می‌کنند و نیز نحوه قرارگیری وبلاگ‌ها در چارچوب و ادبیات رسانه‌های جایگزین و شهروندی را نشان می‌دهد. در اینجا دو وبلاگ خبری **دیر** و وبلاگ خبری **صدرا** را که به مدت بیش از سی روز از تاریخ ۱۲ شهریور تا ۱۶ مهرماه مطالعه شده‌اند، تحلیل می‌کنیم.

مطالعه سایت خبری بندر دیر (<http://dayyervernews.blogfa.com>)

فضای وبلاگ‌ها فضای آزادی است که گفتگوها به راحتی و بدون موانع دیپلماسی یا سیاسی رد و بدل می‌شود. آزادی در این فضا، گاه در یک مکان بیش از مکان‌های دیگر است و به گونه‌ای است که به فرد اجازه می‌دهد سخن به مطالبی بگشاید که در مکان‌های دیگر یا امکان آن وجود نداشته و یا به‌ندرت بوده است.

مثالی از سایت بندر دیر

"ما برای آبادانی آمده‌ایم". این اولین جمله‌ای است که در کادر رنگی این وبلاگ دیده می‌شود. وبلاگ خبری دیر همانطور که از نامش پیداست و مطالب آن نشان می‌دهند اخبار مربوط به مشکلات شهر دیر، بازدیدهای مسئولان از این شهر، تاثیر بازدیدها و رسیدگی‌های مسئولان بر روند بهبود مشکلات شهر است. این وبلاگ **گروهی** اداره می‌شود و مانند سایر وبلاگ‌ها انباشته از موضوعات و گزارش‌های خبری است که امکان انتشار آنها در رسانه‌های جریان اصلی نبوده یا در برخی روزنامه‌ها و رسانه‌ها چاپ شده‌اند. هدف این وبلاگ تلاش برای رفع محرومیت‌ها و مشکلات شهر دیر است. در مطالعه این وبلاگ (در طول بیش از یک ماه از ۱۲ شهریور تا ۱۲ مهرماه) آنچه بیش از همه نظر خوانندگان را جلب کرده گزارشی است که در صفحه اول روزنامه صبح ندای هرمزگان با عنوان "هیچ فرد غیر اصولگرا را نخواهیم گذاشت!؟!" پیرامون مدیر آموزش و پرورش دیری، خلیل عمرانی، چاپ شده است. این خبر در وبلاگ خبری دیر با عنوان "رییس دیری سازمان آموزش و پرورش هرمزگان: شاعر هم می‌تواند موفق باشد" آمده است. در این مطلب قسمت‌هایی از گفته‌های مدیر آموزش و پرورش و سیاست‌های او و عملیاتی کردن آنها و نحوه برخورد با مدیران و استخدام نیرو و نحوه انتخاب شدنش آورده شده است. این پست در تاریخ سه‌شنبه دوازدهم شهریور ۱۳۸۷ ساعت ۱۶:۲۸ نوشته شده است. تنها یک روز بعد از آن، اولین اظهار نظر از سوی [صدافت] خواننده وبلاگ با زبان دیری نوشته می‌شود. او در بررسی این موضوع می‌نویسد:

خلیل آخرش خراب می‌کنه ... خدا خیرت بده ... بابا کارت بکن ... اون تو کانون رفتنت. صدای همه در آوردی

چند روز بعد فردی با نام [دوستدار خلیل] نظری دیگری به این موضوع اضافه می‌کند:

این حرف‌ها با شخصیت آقای عمرانی به دور است. فکر می‌کنم راه ایشان راه اشتباهی است زیرا برای به‌کارگیری نیروها در هر سازمانی تنها اصول‌گرایی لازم نیست. بلکه تعهد / تخصص / وجدان‌کاری و صداها فاکتور دیگر لازم است که بعید می‌دانم یک اصول‌گرا همه اینها را داشته باشد. به هر حال راه درست و موفقیت ایشان اعتدال در کار است و شکی نیست که پرداختن به مسائل جناحی، باتلاقی برای این شاعر و استاد بزرگوار دیری خواهد بود. دوستدار جناب عمرانی از خورموج

بر این اساس و با توجه به سایر مطالب قابل مشاهده در این وبلاگ، می‌توان ویژگی‌های زیر را تشخیص داد:

۱: استفاده از زبان مردمی

برخلاف روزنامه‌نگاری که به‌عنوان رسانه‌های جریان اصلی مطرح می‌باشد، زبان این وبلاگ زبان مردم **عادی** یا به اصطلاح زبان وبلاگی است و به عبارتی امر مردمی و تعاملی بودن در آن مهم است.

۲: شکل‌گیری نظرات بعدی

طرح دو نظر اولیه، آغاز شکل‌گیری مجموعه‌ای از اظهارنظرهای بعدی را فراهم می‌نمایند. هنگام آرایه ایده‌ها، مشارکت‌کنندگان نظرات خویش و دیدگاه‌شان را در این مورد بیان می‌کنند و در واقع ادامه مذاکرات به دست آنهاست. در قسمت نظرات، خوانندگان نه تنها به اصل خبر از سوی وبلاگ، بلکه به نوشته‌ها و اظهار نظرات دیگران نیز توجه می‌کنند.

۳: توجه به پدیده سیاسی، اخلاقی

توجه به پدیده سیاسی در عین حال اخلاقی، مدیریتی و شخصی موضوع در این وبلاگ نیز مهم است.

به نمونه زیر توجه کنید. یکی از خوانندگان، [علی خلقتی]، با مطالعه دیدگاه دیگر خوانندگان چنین می‌نویسد:

نه برای من اصلاح‌طلب مهم است نه اصولگرا. این‌ها بازی با واژگان است و بس. اصولگرایی با یک دید، دیدگاه دیگری را نادیده می‌گیرد و اصلاح‌طلبی با دید دیگر نظر اصولگرایی را، شاید هر دو آنها نشان‌دهنده قدرت باشند نه خدمت. جناب عمرانی عزیز، فراموش نکنید که خدمت نه اصولگرایی می‌خواهد و نه اصلاح‌طلبی. من با احمد رسولی موافقم. مگر می‌شود آدم سیاسی باشد سیاسی عمل نکند. زمانی که شما با صدای بلند می‌گویید "هیچ فرد غیر اصولگرا را نخواهم گذاشت. در واقع تن به کار سیاسی دادید. و نیز با خانم میرانی موافقم به این دلیل که شما می‌توانید مرز بین آدم اصولگرا و غیر اصولگرا تمایز مفهومی دقیق قائل شوید. علم مدیریت می‌خواهد و اصول ارتباطی. نمی‌شود با یک شعار و شعر و شاعری به مدیریت یک سازمان فرهنگی پرداخت. در غیر این صورت، من به‌عنوان یک دیری شما را به عنوان مدیر قبول نخواهم کرد. شما به مدیران قبلی کاری نداشته باشید. سعی کنید در طول مدیریت شما این مشکلات مطرح نباشد که بعد از شما بوق و برنای مردم و مدیران قرار بگیرد. در مطبوعات و در سازمان‌ها آنچه مهم نیست و مطرح نمی‌شود مردم است. شما با این کار خطی بین خود و دیگران کشیده‌اید و تا زمان بریدن خط فاصله زیاد است تا بجنبید وقت شما با این مسائل تلف شده است. پس نباید کاری کرد که هم مردم و هم خدا از شما و من گله‌مند باشند. باز می‌گویم مهم مردم است نه فلان حزب و فلان دیدگاه و شعر و شاعری.

۴: غیریت سازی

غیریت سازی یکی دیگر از ویژگی‌های تفاوت و هویت‌سازی در این سایت است (بحث خود و دیگری). اساساً اصولگرا مساوی است با اصطلاح‌طلب نبودن و نزاع این دو گفتمان در کشور بر سر قدرت. همه چیز را سیاسی و گفتمانی تحلیل نمودن و در ارتباط با قدرت دیدن (دیدگاه فوکویی) به طوری که هر گفتمان سعی در تثبیت جایگاه خویش دارد. برای نمونه، مدیر آموزش و پرورش به محض رسیدن به قدرت سعی در تحمیل عناصر گفتمان خویش دارد.

۵: دانش و قدرت

موضوع دیگر، دانش و قدرت است (برای نمونه دیدگاه فوکو). خوانندگان اعتقاد دارند بیش از هر چیز مدیر باید از دانش کافی برخوردار باشد تا قدرت اداره آموزش و پرورش را داشته باشد چراکه دانش همواره با خود قدرت همراه است و قدرت هم به‌خاطر ادامه حیات خویش باید دانش خویش را تولید کند. در واقع، خوانندگان با ایجاد یک جامعه تفسیری به مطالعه خیر مورد نظر از رویای گوناگون می‌پردازند. در این وبلاگ به‌نوعی تکرر عقاید و گفتمان‌های مختلف موجود در جامعه را می‌توان مشاهده کرد که گفتمان‌های دیگر سعی دارند نظرات خویش را بازتولید کنند و یا در صورت لزوم مانع از به حاشیه رفتن گفتمان غیر اصولگرایی شوند.

مطالعه سایت صدرا نیوز (<http://ghazy.blogfa.com>)

صدرا، سایتی است که توسط یک خبرنگار مطبوعاتی به نام "صدرا قاضی" اداره می‌شود. این سایت، اخبار درجه اول خود و سایر شهروندان و نیز اطلاعاتی از سایر افراد و خبرگزاری‌ها و رسانه‌های جریان اصلی با طیف مختلفی از موضوعات را پوشش می‌دهد. از نوشته‌های سایت بر می‌آید که نویسنده وبلاگ با ارزش‌های خبری آشناست و سعی بر ارائه اخباری دارد که مخاطب بیشتری را از حوزه‌های مختلف جذب و درگیر کنند. اظهار نظر خوانندگان در مورد خبرها از مهمترین ویژگی‌های آن است.

دو مثال از سایت صدرا نیوز

گفتگوی علی دایی، سرمربی تیم ملی با فردوسی‌پور، مجری شبکه سه با عنوان "مطلبی در خصوص بگومگوی بی‌ادبانه علی دایی با فردوسی‌پور" در برنامه پربیننده نود (خبری در رسانه‌های جریان اصلی که توسط یک روزنامه‌نگار مستقل با نام "بهر روز مدرسی" نوشته شده و مدیر وبلاگ بدون هیچ کم و کاستی در وبلاگ درج کرده است):

قبل از آغاز سخنان بدین‌وسیله رسماً اعلام می‌کنم ... من هیچ خصومت و دشمنی با شخص آقای علی دایی نداشته و ندارم ... و آنچه به رسم انتقاد قصد پرداختن به آن رو دارم، صرفاً گله از سرمربی تیم ملی فوتبال و نحوه سخن گفتن او در تلویزیون است. بنده در مقام يك روزنامه‌نگار آزاد و مستقل..... (۱۶ نظر).

ارایه اظهار نظرهای موافق و مخالف تا جایی بین خوانندگان پیش می‌رود که به مسایل بی‌ربط به این موضوع کشانده می‌شود (مدرک جعلی کردن وزیر کشور و سیاست های پنهان صدا و سیما و آموزه‌های دینی).

از جمله موضوعاتی که توجه ما را در مطالعه این سایت جلب می‌کند، وفور دخالت موضوعات سیاسی، دینی، فرهنگی و اجتماعی حول يك موضوع واحد است.

مثال دوم به اظهار نظر دیگری [سمیرا نیری] مربوط است که می‌گوید:

احساس می‌کنم آقای عمرانی برای کار حزب آمده‌اند نه برای کار. سلاح و جین بر تن کرده و به همه غیر اصولگرا اعلام جنگ نموده‌اند. جنگیدن برای همه کار خوب است اما برای مدیریت بیش از هر چیز تسامح لازم است نه جنگ. دیری نخواهد گذشت که آقای عمرانی هم به عاقبت گرجستان در جنگ با روسیه مبتلا خواهد شد! و با فیلمی که بازگرنانش فقط اصولگرا هستند به نبرد شر می‌رود تا طرح داستان کامل شود و عمرانی با اسب بالدار فرمان اصلی فیلم می‌شود آیا در تمام فیلم‌ها داستان خوش آیند است؟ باید دید که شاعر شهر ما با چه آهنگی به دیدار غیر می‌رود؟ آیا همه مردم با او احساس هم‌ذات پنداری می‌کنند؟ باید ماند و دید عاقبت این فیلم آخرالزمان چه می‌شود زیر تیغ می‌رود یا میوه ممنوعه را خورده از بهشت دیر رانده می‌شود؟

اکنون با توجه به این مطالب و سایر نوشته‌های وبلاگ، می‌توان ویژگی‌های زیر را برای این وبلاگ برشمرد:

۱: بینامتنیت

نویسنده از "بینامتنیت" های مختلف در نظر خویش استفاده کرده است. در واقع از اصول داستان نویسی و شخصیت‌پردازی و تقسیم آنها به دو شخصیت "خیر" و "شر" به غیریت‌سازی تن در داده است. وی برخلاف اظهار نظرات قبلی، منتظر عملکرد مدیر و عکس‌العمل مردم نسبت به او مانده است اما در عین حال تلویحاً به شکست زود هنگام دیدگاه مدیر با استناد به شکست گرجستان از روسیه اشاره کرده است. این نظر بیانگر این است که هر کدام از خوانندگان با توجه به دسترسی‌های گفتمانی خویش به سراغ خیر می‌روند و بر اساس آن نظر خویش را اعلام می‌کنند.

۲: فرصت بحث مورد علاقه

این وبلاگ به خوانندگان اجازه می‌دهد تا درباره هر موضوعی که مورد علاقه آنهاست "بحث" کنند. بحث‌های متعدد به خوانندگان فرصتی داده تا با یکدیگر به‌طور جدی و جمعی درباره مسایل سیاسی و موضوعات غالب رسانه‌های جریان اصلی اظهار نظر کنند (نمونه بحث بین نویسنده و خوانندگان).

۳: طرح موضوعات باز

هر چند این وبلاگ نمی‌تواند نماینده همه وبلاگ‌ها باشد، اما ماهیت عمومی آن با وبلاگ‌های دیگر تفاوتی ندارد. این وبلاگ توسط چندین نویسنده (۶ نفر) به جای یک فرد اداره می‌شود (ضمن آن‌که اکثریت آنها وبلاگ شخصی خویش را نیز دارند). موضوع این سایت "موضوع باز" است که توسط نویسندگان سایت دیکته نمی‌شود بلکه به خوانندگان اجازه داده می‌شود ضمن نظر دادن بر نوشته‌های وبلاگ، خود نیز نوشته‌های خویش را در وبلاگ منتشر کنند. (این مورد را می‌توان در لینک "بگو در دیر آباد امشب، دیرنیوز آمده است تا بگوید، بشنود، بخواندش و ببیندش ... دیر نیوز متعلق به هیچ شخص و گروهی نیست، هرکس می‌تواند نوشته‌های خود را با هر موضوعی در آن درج کند... گردانندگان سایت خوشحال می‌شوند شما نیز با آنان همراه شوید..." به وضوح مشاهده کرد). این جنبه عموماً در بسیاری از وبلاگ‌ها و به‌ویژه آنهایی که توسط چندین فرد نوشته می‌شود غایب است اما در این وبلاگ گنجانده شده است. به طور کلی، این وبلاگ تمایل به گرایش و پاسخ‌ها و مشارکت بیشتر خوانندگان دارد.

تحلیل یافته‌های دو سایت بر اساس نظریه رسانه‌های جایگزین و شهروندی

بحث رسانه‌های جایگزین آتون (۲۰۰۲) و توصیف رسانه‌های شهروندی رودریگوز، امکان تحلیل وبلاگ‌های این دو نمونه را فراهم می‌آورد. آتون بر رسانه‌های جایگزین تاکید می‌کند زیرا امکان مشارکت گسترده شهروندان را فراهم می‌کند و رودریگوز بر رسانه‌های شهروندی، با تحلیل این دو وبلاگ می‌توان با محتوای وبلاگ، با نویسندگان و سایر خوانندگان از راه سیستم بازخورد "نظرات" موجود تعامل برقرار کرد که ویژگی این وبلاگ‌ها را نیز معین می‌کند.

۱- آتون (۲۰۰۲) و دونکامب (۱۹۹۷) از چگونگی رسانه‌های جایگزین به‌عنوان تریبونی برای بیان فردی بحث می‌کنند. همان‌طور که دیده می‌شود، وبلاگ خبری دیر برای آگاهی مردم در مورد مسائل مختلف مربوط به دیر ایجاد شده است. از نوشته‌های سایت بر می‌آید که این وبلاگ شهروندان دیر را قادر می‌سازد تا ضمن بیان دیدگاه خود به هویت‌سازی نیز بپردازند.

۲- در بحث رسانه‌های شهروندی، رودریگوز (۲۰۰۱) بر نحوه اعمال شهروندی توسط شهروندان و ارایه قدرت در عین به چالش کشیدن رمزگان‌های اجتماعی و هویت‌های مشروع و روابط اجتماعی نهادینه اشاره می‌کند. دو وبلاگ انتخاب شده با مداخله و تغییر حوزه رسانه‌ای با ارائه اخبار و اتفاقات رسانه‌های جریان اصلی و نیز با مشارکت فعال شهروندان، نظم رسانه‌ای معمول را به چالش کشیده‌اند.

۳- این سایت‌ها خوانندگان را تشویق می‌کنند تا از راه سیستم‌های بازخورد، جزئی از این فرآیند تولید و به‌روزرسانی سایت شوند و نیز با انتشار مطالب خویش به تولید بیشتر این سایت‌ها کمک کنند. این ویژگی به‌طور گسترده در رسانه‌های خطی، مدل یک (رسانه) به چند (مخاطب) رسانه‌های جریان اصلی غایب می‌باشد. با تشویق و افزایش درگیری و مشارکت خواننده، این وبلاگ‌ها به تحول حوزه رسانه‌ای موجود با معکوس کردن جریان بالا به پایین رسانه‌های سنتی، کمک می‌کنند. وبلاگ‌های مورد نظر با جمع کردن شهروندان به شکل متداول و دور از محدودیت‌ها، رمزگان اجتماعی، هویت‌های مشروع و روابط اجتماعی نهادینه شده را به چالش می‌کشند. (برای مثال در وبلاگ خبری صدرا، یک دانش‌آموز دختر، نظر خویش را در مورد مدیر آموزش و پرورش در یک تریبون عمومی بیان کند. یا افراد عادی در مورد علی دایی و برنامه نود و سیاست‌های صدا و سیما در وبلاگ خبری صدرا صحبت کنند که قبلاً به دلیل برخی رمزگان اجتماعی و شرایط رسانه‌های توده‌ای امکان‌پذیر نبود).

۴- هر دو وبلاگ از راه ایجاد حس اجتماعی، حس قدرتمندی را نیز تسهیل می‌کنند که در آن شهروندان می‌توانند به‌طور آزادانه عقاید، دیدگاه‌ها و تجربیات خویش را بیان و به اشتراک بگذارند.

بر اساس شمارش ویژگی‌های بالا، به نظر می‌رسد هر دو وبلاگ ویژگی‌های معین رسانه‌های جایگزین و شهروندی را همان‌طور که آتون (۲۰۰۲)، دونکامب (۱۹۹۷) و رودریگوز (۲۰۰۱) مطرح کردند، دارند.

۵- ویژگی اصلی این وبلاگ‌ها این است که آنها تحت کنترل یا حمایت مالی نهاد خاص یا دولت و نیز گروه‌های خاص نیستند و مشارکت فعال را از راه سیستم‌های بازخورد و دعوت خوانندگان برای نظر دادن و ارائه اخبار و برنامه‌های خویش به این وبلاگ‌ها، تشویق می‌کنند. آنها مکان‌هایی را فراهم می‌کنند که نویسندگان و خوانندگان می‌توانند آگاهی اجتماعی و سیاسی را بالا ببرند و نظم اجتماعی معمول را به رقابت وادارند و به شکل دمکراتیک‌تری از رسانه‌ها تبدیل شوند.

رسانه‌های جایگزین: رکن پنجم دموکراسی

وبلاگ‌های خبری فارسی زبان، به تشریح نقش وبلاگ نویسی در جامعه و حوزه رسانه‌ای موجود کمک می‌کند. اغلب ایرانیان برای جستجو و دریافت اخبار به رسانه‌های اطلاعاتی بیشتر سنتی مانند تلویزیون، رادیو و روزنامه‌های چاپی روی می‌آورند. اما با افزایش دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، آگاهی شهروندان ایرانی از ویژگی‌های فضای مجازی، رشد جمعیت آنلاین و افزایش وبلاگ‌های خبری و تخصصی، به نظر می‌رسد جستجوی اخبار و دریافت اطلاعات از راه وبلاگ‌ها افزایش یافته است.

یکی از ویژگی‌هایی که وبلاگ‌ها را از سایر اشکال رسانه‌های تعاملی و جایگزین متمایز می‌کند، همزیستی آنها با رسانه‌های جریان اصلی است. مثلاً برخی از نوشته‌ها، اخبار و نظرات در وبلاگ‌ها درباره آیت‌م‌های خبری و گزارش‌های رسانه‌های جریان اصلی است (مانند وبلاگ آژانس خبری وبلاگ‌نویسان و وبلاگ خبری ایران). در چنین شرایطی بلاگرها به‌عنوان منابع اصلی برای دریافت اطلاعات و تعامل با محیط از راه رسانه‌های توده و جریان اصلی عمل می‌کنند. برخی از آنها اخبار رسانه‌های جریان اصلی را به شکلی دیگر مطرح می‌کنند و یا آن را به‌عنوان کاتالیزور برای ارائه دیدگاه‌های شخصی و در مورد مسائل جاری (موضوعات سیاسی) استفاده می‌کنند (مانند آنچه در خبر مربوط به مدیر آموزش و پرورش هرمزگان مطرح شد). در چنین مواردی، خبر ارائه شده در رسانه‌های جریان اصلی باعث اظهار نظر نویسنده (نویسندگان) وبلاگ

می‌شود. در برخی از مواقع، نویسندگان تیتراژ خبر مورد نظر را تغییر و مطابق با نظر و برداشت خویش ارائه می‌کنند.

آنها خوانندگان را تشویق می‌کنند تا با استفاده از سیستم‌های بازخورد، نظر خود را نیز اضافه نمایند. نویسندگان با فراهم کردن اظهار نظر خویش بر آیت‌های خبری و برجسته کردن سیستم‌های بازخورد، خوانندگان را قادر می‌سازند تا آزادانه با اخبار رسانه‌های جریان اصلی تعامل کنند. در برخی موارد در وبلاگ‌ها به جای خود خبر، اتفاقات موجود در رسانه‌های جریان اصلی مورد توجه قرار گرفته و برجسته می‌شود (مانند خبر مربوط به گفتگوی علی دایی با فردوسی‌پور در برنامه نود در وبلاگ خبری صدر). در چنین شرایطی آرایه خبر، شیوه‌ای برای اظهار و بیان نظرات شخصی خوانندگان است. روشی که در آن وبلاگ‌ها به وسیله رسانه‌های جریان اصلی به کار گرفته می‌شوند، نیز جالب توجه است.

در چنین مواردی بلاگرها با نگه داشتن اخبار رسانه‌های جریان اصلی به صورت دائمی و تهیه گزارش و گفتگو، به عنوان کاتالیزوری برای روزنامه‌نگاران عمل می‌کنند و روزنامه‌نگار رسانه جریان اصلی، از وبلاگ‌ها در برنامه و برای تکمیل گزارش حرفه‌ای خویش استفاده می‌کند و یا خود اقدام به وبلاگ نویسی می‌کند (به عنوان مثال بلاگر وبلاگ خبری صدر خود روزنامه‌نگار است). در وبلاگ خبری دیر، نویسندگان محلی سعی در پوشش برنامه‌های محلی و مشارکت شهروندان و برخی نهادهای مربوط به آن دارند. در چنین مواردی از روزنامه‌نگاری مدنی و مشارکتی استفاده می‌شود و وبلاگ‌ها به عنوان روشی برای کمک به چنین نهادهایی تشخیص داده می‌شوند. در اینجا علی‌رغم سایر اشکال رسانه‌ای، رسانه‌های جایگزین که قصد دارند به عنوان نیروی مخالف و اپوزیسیون برای رسانه‌های جریان اصلی وارد عمل شوند، در جهت تکمیل اخبار رسانه‌های جریان اصلی، برنامه‌های اضافی را برای خبر ارائه شده فراهم می‌کنند و به خوانندگان فرصت می‌دهند تا ضمن دسترسی به اطلاعات، به گفتگو پیرامون آن خبر بپردازند. مانند اخبار سهمیه‌بندی بنزین که در آن وبلاگ‌ها به جزئیات طرح و عواقب سهمیه‌بندی و پیامدهای ناشی از آن پرداخته‌اند.

نقش وبلاگ‌ها در رابطه با رسانه‌های اصلی آن است که آنها ناظر بر رسانه‌های جریان اصلی محسوب می‌شوند. وبلاگ‌ها خارج از نظام کنترل رسانه‌های جریان اصلی عمل می‌کنند و با مشاهده نادرستی و نواقص یا سانسور در اطلاعات گزارش شده به وسیله رسانه‌های جریان اصلی، آنها را در معرض عموم قرار می‌دهند. بنابراین، اگر رسانه‌های جریان اصلی به عنوان رکن چهارم عمل کنند وبلاگ‌ها می‌توانند به عنوان رکن پنجم دموکراسی رسانه‌ها تلقی شوند (به عنوان مثال سفر آقای خاتمی به ایتالیا و موضوع دست دادن او با دختران ایتالیایی و سخنرانی عباس پالیزدار در دانشگاه همدان). همچنین شکاف اطلاعاتی بین مرکز و پیرامون و عدم بازنمایی و یا بازنمایی غلط حاشیه‌ها که در رسانه‌های قبلی و سنتی مطرح بود با ایجاد وبلاگ‌های محلی در فضای سایبر مانند وبلاگ خبری دیر در حال افول است. وبلاگ‌ها از راه سیستم بازخورد به خوانندگان فرصت می‌دهند درباره موضوعات مختلف به گفتگو و تبادل نظر بپردازند.

رسانه های جایگزین و دموکراسی

معمولا وبلاگ‌ها با تکیه بر اعمال دموکراتیک، مدافع شکلی از دموکراسی مشارکتی و شورایی هستند که سرانجام از راه بیان شهروندی تحقق پیدا می‌کنند (مک چنزی (۱۹۹۹) و رودریگز (۲۰۰۱) ریمرن، (۱۹:۲۰۰۱) و باربر (۱۹۸۴)). چنین دموکراسی بر مرکزیت‌زدایی قدرت و مشارکت مستقیم و فعال شهروندان در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری به سود عموم به جای منافع شخصی تاکید دارد. براساس نظر باربر، **دموکراسی قوی** زمانی حاصل می‌شود که افراد **آگاه** شوند و به طور فعال در گفتمان عمومی مشارکت کنند. به این ترتیب، کنشگران تبدیل به شهروندان اصلی می‌شوند. وبلاگ‌ها مکان‌هایی برای مشورت هستند که خوانندگان را تشویق می‌کنند تا در این تعامل وارد شوند و ابزارهایی برای دست یافتن به "دموکراسی قوی" باشند.

دو وبلاگ صدر و دیر، ایده‌های دموکراسی مشارکتی و مشورتی را با مشارکت خوانندگان ایجاد می‌کنند و خوانندگان و تولید کنندگان را قادر می‌سازند تا با همدیگر در یک محل به تعامل بپردازند. با مطالعه مطالب در وبلاگ خبری دیر و خبر مربوط به مدیر آموزش و پرورش هرمزگان، خوانندگان درباره جنبه‌های مختلف با هم به بحث و تبادل نظر و مشورت پرداختند و گفتگوی آن به مسائل کلان سیاسی کشیده شد که فراتر از استان هرمزگان بود و خبر مربوط به علی دایی، به مسائل و مشکلات رسانه‌ای و مجری‌گری و رابطه مردم با رسانه و سوء استفاده از لفظ "مردم" و حتی فراتر از آنها به بحث مدرک وزیر کشور، علی کردان و توهین به دانشگاه و دانشجو کشیده می‌شود. در این روش‌ها، این دو وبلاگ فضایی را باز می‌کنند که **شهروندی** نه تنها بیان می‌شود بلکه می‌تواند از نظر فرهنگی و سیاسی شکل بگیرد. در چنین حالتی شهروندان می‌توانند در اعمال مشارکتی و مشورتی درگیر شوند. از این‌رو، وبلاگ‌هایی مانند این دو، به شهروندان وسیله‌ای از بیان مستقیم از راه تبدیل عمل رسانه‌ای و مشارکت از یک مدل خطی، یک به چند به قالب چند به چند ارائه می‌کنند. در چنین مدلی بیان‌های فرهنگی و سیاسی مختلف با هم برخورد می‌کنند، همان‌طور که در خبر مربوط به مدیر آموزش و پرورش دیده شد.

بنابراین، بر اساس نظرات آتون (۲۰۰۲)، دونکامب (۱۹۹۷) رودریگوز (۲۰۰۱)، وبلاگ‌ها نمایندگان رسانه‌های جایگزین و شهروندی هستند زیرا هویت و بیان شخصی را تسهیل می‌کنند؛ مشارکت گسترده اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند؛ موانع کمی برای ثبت و انتشار دارند؛ به شکل‌گیری آگاهی سیاسی و اجتماعی کمک می‌کنند؛ توسعه و جاودانگی نمادها و هویت‌های فرهنگی را گسترش می‌دهند؛ به‌عنوان موجودیت غیر متمرکز و غیر انتفاعی روابط سنتی قدرت را منقطع می‌کنند و نیز از راه ایجاد و مشارکت، منجر به احساس قدرتمندی فردی و جمعی می‌شوند. مضاف بر این، عمل انتشار خود[۱]، از راه وبلاگ‌نویسی یادآور توضیحات دونکامب (۱۹۹۷) درباره فرهنگ مجلات است که به هویت‌سازی و دلالت اجتماعی کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

ادبیات قبلی در مورد رسانه‌های جایگزین و شهروندی و دموکراسی رسانه‌ای به‌ندرت اشکال رسانه‌های جدیدتر را مطالعه می‌کنند که شکل دموکراتیک‌تری از اعمال رسانه‌ای و مشارکت را نشان می‌دهند. همچنین، ادبیات اخیر در ایران پیرامون ظهور وبلاگ‌ها و فرآیند وبلاگ‌نویسی به‌طور کامل به بحث‌های شهروندی و دموکراسی در درون حوزه رسانه‌ای، خصوصاً در ارتباط با رسانه‌های جایگزین و شهروندی نپرداخته است. فناوری‌های ارتباطی، امکانی نظیر وبلاگ‌ها را در اختیار می‌نهند که در صورت رسیدن به توانایی و پتانسیل خویش به‌عنوان یک شکل دمکراتیک واقعی، دموکراسی و به‌ویژه دموکراسی مشارکتی می‌تواند به مرحله بعدی توسعه وارد شود.

وبلاگ‌های ایرانی می‌توانند با فراهم کردن دیدگاه‌ها و اطلاعاتی که در نهادهای رسانه‌ای جریان اصلی ارائه نمی‌شوند و یا امکان ارائه و پوشش آنها وجود ندارد، به دموکراتیک کردن محیط رسانه‌ای موجود کمک کنند. وبلاگ‌ها همچنین به شهروندان کمک می‌کنند تا راه حلی برای نابرابری‌های موجود در فرصت‌های مشارکت دموکراتیک در رسانه‌ها بیابند و توسعه دهند. این مقاله، مطالعه دوباره ادبیات پیرامون رسانه‌های جایگزین و شهروندی به‌ویژه وبلاگ‌های ایرانی در تسهیل مشارکت و عمل دمکراتیک، بود. می‌توان گفت که وبلاگ‌های ایرانی می‌توانند در چارچوب و حوزه رسانه‌های جایگزین و شهروندی قرار بگیرند و به ایجاد محیطی که در آن امکان اعمال و بیان شهروندی وجود دارد، به مشارکت و عمل دموکراتیک کمک کنند.

منابع

منابع فارسی

اخوان، منیژه (۱۳۸۶)، **دو فضای شدن جهان: تفاوت‌های جنسیتی در بازنمایی هویت در فضای واقعی و فضای وبلاگ**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

استریت، جان (۱۳۸۴)، **رسانه‌های فراگیر، سیاست و دموکراسی**، ترجمه حبیب‌الله فقیهی نژاد، تهران، موسسه انتشاراتی روزنامه ایران.

خلیلی، پگاه (۱۳۸۳)، **وبلاگ‌نویسی در ایران: مطالعه کمی و کیفی نحوه ابراز هویت در وبلاگ‌های ایرانی با تاکید بر وبلاگ‌های شخصی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

ضیائی‌پور، حمید (۱۳۸۷)، **وبلاگستان فارسی: بررسی وضعیت وبلاگ‌های فارسی در سال ۱۳۸۶**، دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها، معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

عاملی، سعید رضا (۱۳۸۲)، **دو جهانی شدن‌ها و آینده هویت‌های همزمان**، موجود در سایت ایران و جامعه اطلاعاتی، <http://www.iranwsis.org>

عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۵)، **وبلاگ؛ خانه هویت و تجسم شخصیت**، موجود در سایت <http://www.hamshahrionline.ir/News/?id=3591>

کین، جان (۱۳۸۳)، **رسانه‌ها و دموکراسی**، ترجمه نازنین شاه‌رکنی، تهران، انتشارات طرح نو.

گنز، هریرت ج. (۱۳۸۵). **دمکراسی و خیر**. ترجمه علیرضا دهقان. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

منابع انگلیسی

- Andrews, Paul (2003), "Is Blogging Journalism?" In *Nieman Reports*, Vol. 57, No. (3) Fall 2003.
- Atton, Chris (2002), *Alternative Media*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Atton, Chris (2003), "What is Alternative Journalism?" In *Journalism*, 4 (3), 267-72.
- Bakardjieva, M (2006). *Internet society: The internet in everyday life*. London. Sage Publication.
- Barber, Benjamin (1984). *Strong Democracy: Participatory Politics for a New Age*. Berkeley: University of California Press.
- Barber, Benjamin (2003), "Which Technology and Which Democracy?" In H. Jenkins & D. Thorburn (Eds.), *Democracy and New Media*, Cambridge, MA: MIT Press.
- De Certeau, Michel (1984). *The Practice of Everyday life*. London. University of California press.
- Donsbach, Wolfgang (2008). *The International Encyclopedia of Communication*. Blackwell publication.
- Downing, John (1984). *Radical Media: The Political Experience of Alternative Communication*. Boston: South End Press.
- Downing, John (2001). *Radical Media: Rebellious Communication and Social Movements*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Duncombe, Stephen (1997). *Notes from the Underground: Zines and the Politics of Alternative Culture*. London: Verso.
- Gillmor, Dan (2003), "Moving Toward Participatory Journalism", In *Nieman Reports*, Vol. 57, No. (3) Fall 2003.
- Gillmor, Dan (2004). *We the Media: Grassroots Journalism by the People, for the People*. Sebastopol, CA: O'Reilly.
- Grabowicz, Paul (2003), "Weblogs Bring Journalists into a Larger Community" In *Nieman Reports*, Vol. 57, No. (3) Fall 2003.
- Hewitt, Hugh (2005). *Blog: Understanding the Information Reformation That's Changing Your World*. Nashville, TN: Nelson Books.
- Jenkins, Henry & D. Thorburn (2003), "Introduction: The Digital Revolution, the Informed Citizen, and the Culture of Democracy" In H. Jenkins & D. Thorburn (Eds.), *Democracy and New Media*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Kellner, Douglas (2003), *The Media and the Crisis of Democracy in the Age of Bush-2*, <http://www.gseis.ucla.edu/faculty/kellner/papers/MEDIAdem2003.htm>.
- Lasica, J.D (2002), *When Bloggers Commit Journalism*, In *Online Journalism Review*, (Accessed 8 December 2004), <http://www.ojr.org/ojr/lasica/1032910520.php>.
- Lasica, J.D (2003), "*Blogs and Journalism Need Each Other*", In *Nieman Reports*, Vol. 57, No. (3) Fall 2003.
- Mallios, Seth (2006). *The Deadly Politics of Giving*. University of Alabama Press.
- Poster, Mark (1995), *Cyberdemocracy: The Internet and the Public Sphere*, (accessed 17 January 2005). <http://www.humanities.uci.edu/Mposter/writings/democ.html>.
- Regan, Tom (2000), *Technology is Changing Journalism*, In *Nieman Reports: The Internet, Technology and Journalism*, Winter 2000, pp. 6-9.
- Regan, Tom. (2003), *Weblogs Threaten and Inform Traditional Journalism*, In *Nieman Reports*, Vol. 57, No. (3), Fall 2003.
- Rheingold, Howard (1993), *The Virtual Community*, Accessed 13 January 2005 from <http://www.rheingold.com/vc/book/>.
- Rheingold, Howard (2002). *Smart Mobs: The Next Social Revolution*. Cambridge, MA: Perseus Books.
- Rheingold, Howard (2003), *Moblogs Seen as a Crystal Ball for a New Era in Online Journalism*, In *Online Journalism Review*, (Accessed 17 January 2005), <http://www.ojr.org/ojr/technology/1057780670.php>.
- Rodriguez, Clemencia (2001). *Fissures in the Mediascape: An International Study of Citizens' Media*. Cresskill, NJ: Hampton Press.
- Rushkoff, Douglas (2001), *Open Source Democracy, Demos*, <http://www.demos.co.uk/catalogue/opensource democracy2/>.
- Rushkoff, Douglas (2004), *World Conquest through Bottom Up Media*, (accessed 27 November 2004), <http://www.thefeature.com/article?articleid=35247&ref=4511725>.
- Sullivan, Andrew (2002), *A Blogger Manifesto*, (accessed 13 January 2005), http://www.andrewsullivan.com/main_article.php?artnum=20020224.
- Welch, Matt (2003), *Emerging Alternatives: Blogworld*, In *Columbia Journalism Review*, (accessed 17 January 2005), <http://www.cjr.org/issues/2003/5/blog-welch.asp>.
- Wilson, S. M & Peterson. C (2002), "THE ANTHROPOLOGY OF ONLINE COMMUNITIES", In *Annu. Rev. Anthropol*, 2002, 31:449-67.

<http://blognews.mihanblog.com/More-629.ASPX>
[/http://dayyernews.blogfa.com](http://dayyernews.blogfa.com)
[/http://ghazy.blogfa.com](http://ghazy.blogfa.com)
<http://irnews.mihanblog.com/Author/1/Page-2.ASPX>

i[i] Self-publishing

